

## رونالد استیوارت تامس شاعری از کلیسای ولز

ترجمه ضیاء قاسمی

منظرهٔ ولزی

زلزله‌ی کردن در ولز هوشیار بودن است  
در شفق خون ریخته  
که رو به فراز کردن آسمان وحشی رفته است  
رنگین کردن رودخانه‌های زلال

در تمام مسیره‌هایشان  
بیدار بوفتن است  
بر فراز توکتور برهیاو  
و مهمهٔ مائین نواج

در چهل بی‌قرار.

هر نفس از نهرهای شتابان.

آدمی را توان زیستن در اکنون نیست

هستکم نه در ولز.

زیاتی هست برای مثال زدن

که اوامای نروش

برای گوش غریبه‌اند.

فریادهایی هست در تاریکی شب

آن‌دم که جلدنما ماه را پاسخ می‌گویند.

و کمین آئوده سایه‌ها

که در کنار و گوشهٔ این غمگین نشسته‌اند

در ولز اکنونی نیست

و آینده‌یی نیز نه.

تنها گذشته هست.

با آئوده بقایای جسدها

بوجها و قلعه‌های فرسوده از باد

با ارواح دروغ‌ساز

معدن‌های در حال پوسیدن

و مردمی ناتوان

بیزار از زاد و ولد در درون خویش

نگران لاشهٔ شعری کهن.

□

این جا

اکنون من مرد هستم

دستت را بر ابروهایم بگذار

جایی که می‌توانی رشد عقل را احساس کنی

□

من همچون درختم

از شاخه‌های بالای‌بام می‌توانم ببینم

رۀ پاهایی را که به من می‌رسند

□

در رگ‌هایم خون است

که بی‌آلایش می‌دود

و متغیر می‌شود در تمام عسل‌اتم

□

پس چرا دست‌هایم این گونهٔ سوخ است

از خون بساکسان که مردمانند؟

این جاست آن‌جایی که گمراهم کردند؟

□

چرا دست‌هایم این چنین‌اند

که آن چه می‌گویم نمی‌کنند؟

خدا دعایم را نمی‌شنود؟

□

عرا جایی برای رفتن نیست

ماهواره‌های چالاک نشان می‌دهند

که ساعت تمام وجودم عقب افتاده است.

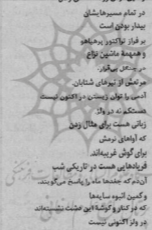
□

بهرای رفتن من در است

به سوی مقصدهایی که از آن قلب نیست

باید بمانم در این‌جا، با درد‌هایم.

□



رونالد استیوارت تامس

رونالد استیوارت تامس در سال ۱۹۱۳ در کاردیف Cardiff ولز به دنیا آمد تامس در ولز بزاید و زبان و فرهنگ‌های شعری ولزی را به نکت بررسی کرد او در سال ۱۹۳۳ به مقام کشیشی کلیسای ولز دست یافت آشنایی او با نیلجی صمدتاً روستایی ولز بخش اعظم مضامین نخستین اشعارش را تحت تأثیر قرار داده است شاعر در شعرهای بعدی خود به سوی ابداصات فرسی و یکپارچه کردن عبارات و سادگی و ژرفای بیشتر متغییر می‌شود. کارهای تامس هیچ‌گاه بازی زبانی صرف نبوده است و همیشه دل‌مشغولی عمیق او با تجربه و زبان را می‌توان از اشعارش استنباط کرد بعضی از مجموعه شعرهای است شاعر با آوازده عبارتند از: ویرانه در تحولی ساله (۱۹۵۵)، شعر برای شاه (۱۹۵۸)، و آرمایشگاه‌های روح (۱۹۵۷) و دفتر کالس‌ه‌ها (۱۹۷۸).